

اخلاق بهک



قطب‌نمای مسیر اخلاق و تربیت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

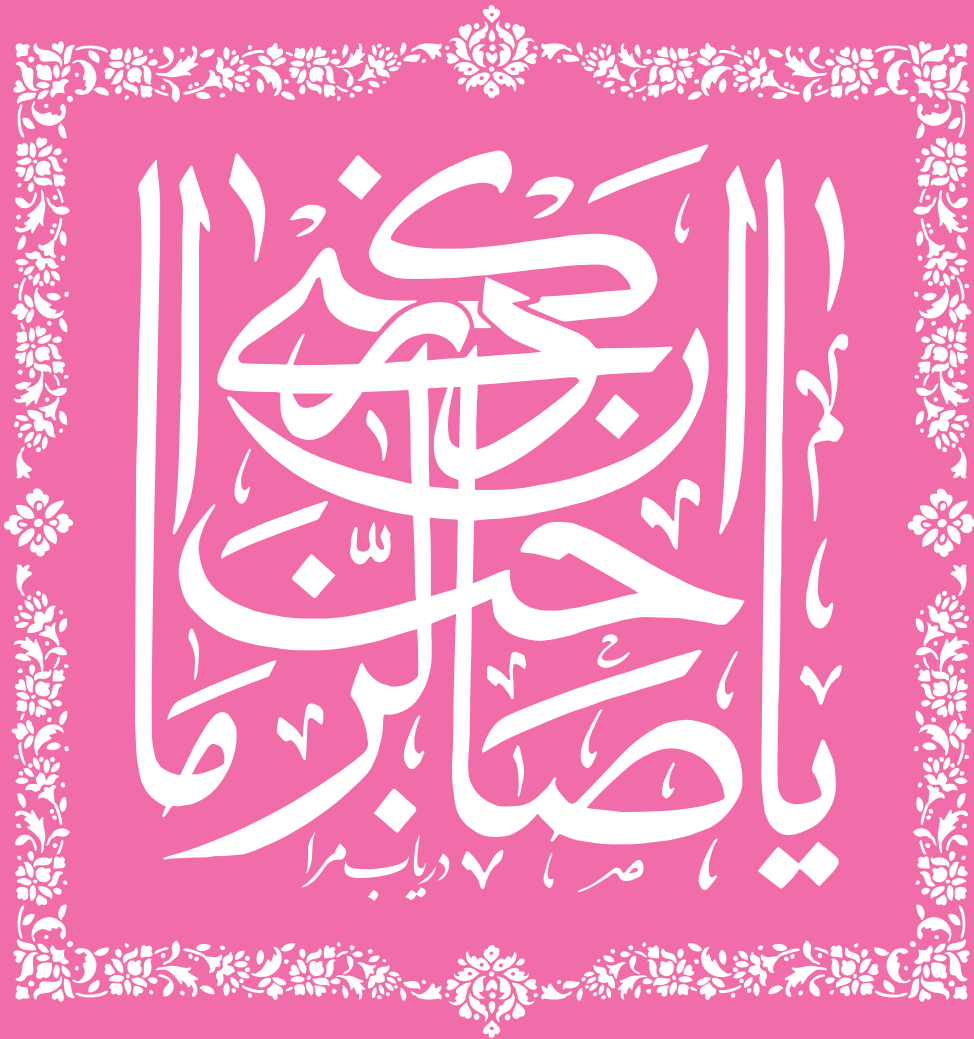
اخلاق بهک



قطب‌نمای مسیر اخلاق و تربیت

الْعِثْمَةُ
بِأَصْلَابِهَا
بِأَصْلَابِهَا

ما صر، ۷ بدام برس



آیت الله ناصری رحمته الله از استادشان آیت الله سید محمد کشمیری رحمته الله درخواست می کنند تا اسم اعظم را به ایشان بیاموزد. ایشان می فرماید: «اگر اسم اعظم را می خواهی، از نام مبارک صاحب الزمان غفلت مکن. اسم اعظم، همان جمله یا صاحب الزمان اغثنی، یا صاحب الزمان ادركنی است.»

اقل الخلیفه الزمان



قطب‌نمای مسیر اخلاق و تربیت



امامت و ولایت

گزیده‌ای از سخنان حضرت آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی رحمه الله علیه

درباره مقام ولایت اهل بیت علیهم السلام

بنیاد علمی فرهنگی هاد

۱۴۰۲



سرشناسه	ناصری دولت آبادی، محمد، ۱۳۰۹ - ۱۴۰۱
عنوان و نام پدیدآور	امامت و ولایت: گزیده‌ای از سخنان حضرت آیت الله ناصری رحمته الله علیه درباره مقام ولایت اهل بیت علیهم السلام / تحقیق و تدوین حسین مهوری؛ [به سفارش] بنیاد علمی فرهنگی هاد.
مشخصات نشر	قم: انتشارات خُلق وابسته به مؤسسه فرهنگی دارالهدی، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری	۳۸۸ ص: ۵/۲۱×۵/۱۴ س.م.
شابک دوره	۱ - ۲۴ - ۶۸۱۶ - ۶۰۰ - ۹۷۸
شابک کتاب	۴ - ۳۶ - ۶۸۱۶ - ۶۰۰ - ۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	فیپا
عنوان دیگر	گزیده‌ای از سخنان حضرت آیت الله ناصری درباره معارف روح بخش قرآنی.
موضوع	ولایت -- احادیث * Sainthood -- Hadiths ولایت -- جنبه‌های قرآنی * Sainthood -- Qur'anic teaching امامت -- احادیث * Imamate -- Hadiths امامت -- جنبه‌های قرآنی * Imamate -- Qur'anic teaching مهوری، حسین، ۱۳۴۰، گردآورنده بنیاد علمی فرهنگی هاد BP۲۲۳/۸ ۲۹۷/۴۵ ۹۳۴۰۱۹۴
شناسه افزوده	
شناسه افزوده	
رده‌بندی کنگره	
رده‌بندی دیوینی	
شماره کتاب‌شناسی ملی	

امامت و ولایت

گزیده‌ای از سخنان حضرت آیت الله ناصری رحمته الله علیه
درباره مقام ولایت اهل بیت علیهم السلام

تحقیق و تدوین: حسین مهوری

ناشر: انتشارات خُلق | شمارگان: ۱۰۰۰

مدیر هنری: محمد مهدی حججی

تمام حقوق محفوظ است.



بنیاد علمی فرهنگی هاد

قم، خیابان صفائیه، کوچه ۲۳، پلاک ۸، انتشارات خُلق

۰۹۱۲۳۵۱۳۸۷۲ - ۰۲۵۳۷۷۳۷۴۲۹



فهرست

پیش‌گفتار.....	۱۵
ضرورت بهره‌گیری علمی و معنوی از عالمان ربّانی.....	۱۵
مروری بر زندگی نامه حضرت آیت الله ناصری رحمته الله علیه	۱۶

فصل اول: مباحث کلی ولایت و امامت / ۱۹

۱.۱. مقدمه.....	۲۱
۲.۱. معنای ولایت و امامت.....	۲۴
۱.۲.۱. ولایت؛ نبودن واسطه میان ولیّ و خداوند.....	۲۷
۲.۲.۱. ولایت؛ واگذاری کارها به خدا.....	۲۸
۳.۱. اهمیت ولایت.....	۳۰
۱.۳.۱. ولایت، شرط توحید.....	۳۲
۲.۳.۱. ولایت، شرط قبولی اعمال.....	۳۳
اعتقاد عالم سنی به باطل بودن اعمال خود.....	۴۰
۳.۳.۱. ولایت، برتر از نبوت.....	۴۱
دلیل برتری ولایت بر نبوّت.....	۴۳
سلمان، برتر از پیامبران.....	۴۶



- ۴۷ احترام محب‌علی به حضرت علی پس از مرگش
- ۴۸ کرامتی از علامه ابن‌فهد حلّی
- ۴۹ ۴.۳.۱. ولایت، برترین عبادت
- ۵۰ ۵.۳.۱. ولایت، مزد رسالت
- ۵۲ ۶.۳.۱. ولایت؛ پرسش پروردگار
- ۵۳ نعمت ولایت برتر از همه دنیا
- ۵۶ ۴.۱. اقسام ولایت
- ۵۶ ۱. ۴.۱. ولایت تشریعی
- ۵۹ ۲. ۴.۱. ولایت تکوینی
- ۶۰ ولایت تکوینی امامان
- ۶۴ اسم اعظم، یکی از شعب ولایت تکوینی
- ۶۶ عالم وجود، به فرمان امام
- ۶۸ تغییر قیافه امام
- ۶۸ ولایت تکوینی اولیای خدا
- ۶۹ ولایت تکوینی حضرت زینب علیها السلام
- ۷۰ سرنگون شدن دیگ و نریختن آبگوشت
- ۷۰ سوزاندن سنگ به جای هیزم
- ۷۱ تغییر قیافه رشید هجری
- ۷۳ میراندن مار
- ۷۴ کرامت سقای یزدی
- ۷۶ جدا کردن سر کلاغ با اشاره
- ۷۶ شفای از مارگزیدگی
- ۷۸ زنده کردن مرغ مرده
- ۷۹ نگهداشتن کودک میان زمین و آسمان
- ۸۱ ۵.۱. لزوم تعیین امام به وسیله خدا
- ۸۳ ۱. ۵.۱. امام، معدّل عالم وجود
- ۸۴ ۲. ۵.۱. امام، قلب عالم هستی



- ۳.۵.۱. ناتوان بودن انسان در شناخت نیازهایش ۸۸
- ۴.۵.۱. ناتوانی بشر در شناخت امام ۸۸
- ۵.۵.۱. اختلاف ما با اهل سنت در امامت ۹۲
- جهل خلیفه به مسائل شرعی ۹۴
- ۶.۱. نصب امیر مؤمنان علیه السلام توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ۹۶
- ۱.۶.۱. عاقبت انکار غدیر ۹۹
- ۲.۶.۱. فضیلت عید غدیر ۱۰۰
- ۳.۶.۱. نامه نانوشته ۱۰۱
- ۴.۶.۱. سابقه تشیع ۱۰۲
- ۷.۱. تعیین امام برای همه عوالم ۱۰۶
- عرضه ولایت اهل بیت علیهم السلام بر همه موجودات ۱۰۸
- بیعت با ولایت در عالم ذر ۱۱۱

فصل دوم: ویژگی‌ها و فضایل امام / ۱۱۳

- ۱.۲. یکسان بودن امامان در فضایل ۱۱۶
- ۲.۲. خلقت نوری ۱۱۸
- ۳.۲. موحد بودن نیاکان ۱۲۵
- ۴.۲. عصمت ۱۲۷
- ۱.۴.۲. معنای عصمت ۱۲۷
- ۲.۴.۲. درجات عصمت ۱۲۹
- ۳.۴.۲. نظر اهل سنت درباره عصمت پیامبر و امام ۱۳۲
- ۵.۲. تسلیم خدا بودن ۱۳۴
- تسلیم بودن اولیای خدا ۱۴۰
- ۶.۲. علم غیب ۱۴۲
- ۱.۶.۲. اختصاص علم غیب به خداوند ۱۴۳
- ۲.۶.۲. اعطای علم غیب به پیامبران ۱۴۵
- ۳.۶.۲. افزایش علم امامان ۱۴۹



- ۱۴۹ علم تشریعی و تکوینی ۴.۶.۲
- ۱۵۰ احاطه امامان به همه عالم ۵.۶.۲
- ۱۵۱ امام، عالم به همه احکام ۶.۶.۲
- ۱۵۲ علم امامان، علم لدنی ۷.۶.۲
- ۱۵۳ علم لدنی ملاک‌ظم ساروقی ۸.۶.۲
- ۱۵۵ علم لدنی یکی از شاگردان شیخ انصاری ۹.۶.۲
- ۱۵۵ علم امامان، علم حضوری ۱۰.۶.۲
- ۱۵۶ علم غیب اولیای خداوند ۱۱.۶.۲
- ۱۵۷ خبر دادن میثم تمار از آینده ۱۲.۶.۲
- ۱۵۹ خبر دادن آیت‌الله کشمیری از آینده ۱۳.۶.۲
- ۱۵۹ خبر دادن مرحوم قاضی از فرزند داشتن علامه طباطبایی ۱۴.۶.۲
- ۱۶۰ خبر دادن حاج عبدالزهر از غیب ۱۵.۶.۲
- ۱۶۰ خبر دادن مرحوم ملاحسینقلی خان از محتلم بودن دیگران ۱۶.۶.۲
- ۱۶۱ خبر دادن مرحوم بیدآبادی از محتلم بودن عدسی فروش ۱۷.۶.۲
- ۱۶۱ آگاهی مرحوم باقری از نیت و خطورات ذهنی دیگران ۱۸.۶.۲
- ۱۶۲ آگاهی یکی از اولیای خدا از رؤیای دیگران ۱۹.۶.۲
- ۱۶۳ خبر از آینده توسط مرحوم نخودکی ۲۰.۶.۲
- ۱۶۳ ۷.۲. شاهد بر اعمال امت ۲۱.۶.۲
- ۱۶۶ ۱.۷.۲. اهل بیت، مهم‌ترین شاهد بر اعمال ۲۲.۶.۲
- ۱۷۰ ۲.۷.۲. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، شاهد برای پیامبران ۲۳.۶.۲
- ۱۷۲ ۸.۲. شناساندن خداوند ۲۴.۶.۲
- ۱۷۵ ۱.۸.۲. اهل بیت علیهم السلام معلم همه در خداشناسی ۲۵.۶.۲
- ۱۷۹ ۲.۸.۲. اهل بیت علیهم السلام علم و نشانه برای امت ۲۶.۶.۲
- ۱۸۱ ۳.۸.۲. اهل بیت علیهم السلام، چراغ هدایت ۲۷.۶.۲
- ۱۸۴ ۴.۸.۲. اهل بیت علیهم السلام، صراط ۲۸.۶.۲
- ۱۸۵ ۹.۲. شناساندن نبوت ۲۹.۶.۲
- ۱۸۶ ۱۰.۲. ولایت، همتای قرآن ۳۰.۶.۲



۱۸۹	۱۱.۲. مظلومیت اهل بیت علیهم‌السلام
۱۹۱	۱۲.۲. نداشتن سایه
۱۹۳	۱۳.۲. زره پیامبر اندازۀ اندام امام
۱۹۶	۱۴.۲. رجعت

فصل سوم: بهره‌مندی شیعیان از الطاف خاص امامان علیهم‌السلام / ۲۰۱

۲۰۳	۱.۳. واسطه فیض
۲۰۷	۲.۳. امان اهل زمین
۲۰۹	۳.۳. شفاعت
۲۱۰	۱.۳.۳. معنای شفاعت
۲۱۲	۲.۳.۳. شفاعت‌کنندگان
۲۱۲	۱. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم
۲۲۷	۲. اهل بیت علیهم‌السلام
۲۲۹	۳. شفاعت دیگر پیامبران
۲۳۰	۴. امیر مؤمنان علیه‌السلام
۲۳۶	۵. حضرت زهرا علیها‌السلام
۲۳۹	۶. امام حسین علیه‌السلام
۲۴۰	۷. قرآن
۲۴۲	۸. نماز
۲۴۳	۹. امامزاده‌های معتبر
۲۴۴	۱۰. دانشمندان و علمای با عمل
۲۴۵	شفاعت مرحوم میرزای شیرازی از مقلدان خود
۲۴۶	۱۱. شهیدان
۲۴۶	۱۲. مؤمنان و اولیای الهی
۲۴۹	۱۳. اطفال شیرخوار و کودکان نابالغ از دنیا رفته
۲۵۱	۳.۳.۳. شرایط شفاعت شونده‌گان
۲۵۱	۱. ایمان



۲۵۳	۲. اعتقاد به شفاعت
۲۵۴	۳. رسیدگی به ذریهٔ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
۲۵۴	ماجرای مرد مجوسی و بانوی علوی
۲۵۷	پاداش کمک‌کردن به سادات
۲۵۸	۳.۳.۴. محل شفاعت
۲۶۰	۳.۳.۵. محرومیت از شفاعت
۲۶۶	۳.۳.۶. شکایت‌کردن شیعیان
۲۶۷	۳.۴. ناراحت شدن برای شیعیان
۲۶۹	آزردن شیعیان، آزردن امامان

فصل چهارم: وظایف ما در مقابل ولی و امام / ۲۷۱

۲۷۳	۱.۴. وجوب معرفت امام
۲۷۵	لزوم پرهیز از غلو
۲۷۶	۲.۴. وجوب اطاعت امام
۲۸۲	۴.۲.۱. زینت بودن برای اهل بیت علیهم السلام
۲۸۳	۴.۲.۲. شیعیان راستین
۲۸۹	۴.۲.۳. مقام و منزلت شیعیان راستین
۲۹۱	۴.۳. تولی و تبری
۲۹۴	۴.۳.۱. محبت اهل بیت علیهم السلام
۲۹۸	۴.۳.۲. نشانه‌های محبت اهل بیت علیهم السلام
۲۹۹	۴.۳.۳. آثار محبت به اهل بیت علیهم السلام
۳۰۱	۱. فریادرسی از دوستان خود هنگام مرگ
۳۰۶	۲. فریادرسی از دوستان خود در قبر
۳۰۸	۳. فریادرسی از دوستان خود هنگام نشور
۳۱۰	۴. فریادرسی از دوستان خود هنگام تحویل نامهٔ اعمال
۳۱۱	۵. فریادرسی از دوستان خود هنگام حساب
۳۱۳	۶. فریادرسی از دوستان خود نزد صراط



۳۱۶	۷. امان از آتش
۳۱۶	۸. آمرزش گناهان
۳۱۷	۹. نگاه به خداوند بدون حجاب
۳۱۸	۴.۳.۴. تبری و بیزاری از دشمنان اهل بیت (ع)
۳۲۲	۴.۴. راه‌های حفظ و تقویت ولایت
۳۲۲	۴.۴.۱. طاهرکردن باطن
۳۲۳	۴.۴.۲. درس‌گرفتن از زندگی اهل بیت (ع)
۳۲۴	۴.۴.۳. انجام دادن واجبات، ترک محرمات و توسل به اهل بیت (ع)
۳۲۶	۴.۴.۴. صلوات
۳۲۸	معنای صلوات
۳۳۰	اقسام صلوات
۳۳۱	فایده صلوات برای اهل بیت (ع)
۳۳۴	زمان صلوات فرستادن
۳۳۵	کمیت صلوات
۳۳۶	کیفیت صلوات
۳۳۷	آداب صلوات فرستادن
۳۳۸	آثار صلوات
۳۵۸	۴.۴.۵. لعن بر دشمنان اهل بیت (ع)
۳۶۱	۴.۴.۶. ذکر احادیث اهل بیت (ع)
۳۶۴	۴.۴.۷. تشکیل مجالس برای اهل بیت (ع)
۳۷۰	۴.۴.۸. بزرگداشت ایام ولادت و شهادت معصومان (ع)
۳۷۱	۴.۴.۹. توسل به اهل بیت (ع)
۳۷۴	توسل به امامزادگان و علما
۳۷۵	۴.۴.۱۰. خواندن نمازهای منسوب به چهارده معصوم (ع)
۳۷۶	۴.۴.۱۱. رسیدگی به برادران دینی
۳۷۶	رفتار این‌ابی عمیر با بدهکار خود
۳۷۹	فهرست منابع



امیرمؤمنان علی علیه السلام

جَالِسِ الْعُلَمَاءِ يَزِدُّدْ عِلْمُكَ وَيَحْسُنْ أَدَبُكَ وَتَزُكْ نَفْسُكَ^۱

با علما همنشین باش، تا دانشت فزونی یابد، ادب‌ت نیکو گردد و جانت پاک شود.

پیش‌گفتار

ضرورت بهره‌گیری علمی و معنوی از عالمان ربّانی

در این زمانه که آلودگی‌های فناورانه، علاوه بر آلودگی آب و هوا، فطرت‌های پاک را نیز به مخاطره و اضطراب وا داشته، بهره‌گیری از عالمان ربّانی و سیراب شدن از چشمه زلال علم و موعظه آنان، بسی گوارا و حیات‌بخش است؛ عالمانی که با دو بال علم و تقوا، به آسمان معارف راه یافته و از آنجا تحفه‌هایی بی‌مانند به ارمغان آورده‌اند. اما از آنجا که همنشینی با چنین عالمانی - چه از جانب عموم علاقه‌مندان و چه از جانب خود آن عالمان بزرگوار - همیشه مقدور نیست، یکی از راه‌های بهره‌گیری از آن بزرگواران، انس با آثار آنان است. چگونه چنین نباشد و حال آن‌که جان‌های نورانی آنان سبب شده است، قلم و بیان‌شان نیز نور بیفشاند و راه بنماید.

مجموعه پیش‌رو که دربردارنده آثار بیانی و بنانی حضرت آیت الله ناصری رحمته الله



است، در همین راستا، تدوین و ارائه شده تا راهی باشد برای کسب فیض از کلام آن عالم بزرگوار.

مناسب است دفتر را با مروری کوتاه بر زندگی نامه این عالم ربانی آغاز کنیم.

مروری بر زندگی نامه حضرت آیت الله ناصری رحمته الله

عالم خود ساخته و عاشق دل‌باخته، حضرت آیت الله ناصری رحمته الله در سال ۱۳۰۹ ش در دولت آباد اصفهان دیده به جهان گشود. خانواده ایشان بهره‌مند از علم و تقوا و پدرش، حاج شیخ محمدباقر، عالمی زاهد، وارسته و اهل عبادت بود که از محضر عالمانی گران سنگ هم چون آخوند کاشی، جهانگیرخان قشقایی و حاج آقا رحیم ارباب رحمته الله بهره‌های فراوان علمی و عملی برده بود.

مرحوم حاج شیخ محمدباقر، برای ادامه تحصیل به نجف اشرف مهاجرت می‌کند و بدین سان، برای آیت الله ناصری که در آن زمان، چهارده سال داشته، فصلی نو و برگ‌ریز از دفتر زندگی‌اش رقم می‌خورد. پس از دو سال اقامت در جوار امیرمؤمنان علیه السلام مادر به دیدار حق می‌شتابد و در جوار حرم مولایش آرام می‌گیرد. یک سال پس از رحلت مادر، پدر به ایران باز می‌گردد و فرزند هفده ساله خود را به امیرمؤمنان علیه السلام می‌سپارد. پدر پیش از ترک نجف، از برخی عالمان ربّانی می‌خواهد که فرزندش را از یاد نبرند و در غیاب وی، به تربیتش اهتمام ورزند.

مجاورت حضرت امیر علیه السلام و ارتباط با عالمان وارسته، بهترین زمینه را برای رشد و ترقی معظم له فراهم می‌کند و ایشان نیز از این فرصت و موقعیت، به بهترین شیوه استفاده می‌نماید. برخی اساتید سطوح عالی ایشان عبارتند از آیات عظام: امام خمینی، سید ابوالقاسم خویی، سید عبدالهادی شیرازی، سید محمود شاهرودی و میرزا هاشم آملی رحمته الله.

وی در دوران اقامت در نجف اشرف، در اخلاق و معنویت نیز از محضر



عالماني ربّاني و انسان هايي وارسته هم چون آيت الله سيّد جمال الدين گلپايگاني، سيّد محمّد کشميري، حاج شيخ عباس قوچاني، حاج شيخ محمّد کوفي و حاج عبدالزهراء گرعاوي رحمته الله بهره هاي فراوان برد.

حضرت آيت الله ناصري پس از سالياني توشه اندوزي از محضر حضرت اميرمؤمنان عليه السلام به امر استاد خود، مرحوم آيت الحق سيّد محمّد کشميري به ايران باز مي گردد و در دولت آباد اصفهان، به تربيت نفوس مستعدّ، تدريس فقه و اصول و تفسير و نيز اقامه نماز جماعت و پاسخ گويي به نيازهاي گوناگون مردم مي پردازد. مجالس وعظ ايشان، در محضر ارباب معرفت و معنويت، سازنده و مؤثر به شمار مي آمد؛ به ويژه اين که در کلامش عشق به يارِ غايب از نظر، حضرت بقيّة الله الاعظم عليه السلام موج مي زد؛ به گونه اي که هنگام ذکر و ياد حضرتش، عنان اختيار از کف مي داد و اشک و آه را چاشني سفره کلامش مي کرد.

آيت الله ناصري دل داده آن حضرت بود و پيوسته از او مي گفت. ترجيع بند کلام او اين بود که: «در هر حال، يا بن الحسن را فراموش نکنيد». همچنين «صدقه روزانه براي سلامتي حضرت»، «خواندن نماز امام زمان عليه السلام در هر روز» و «دعا کردن براي فرج آن عزيز سفرکرده» از سفارش هاي هميشگي آيت الله رحمته الله بود که خود نيز مقيّد بود به آنها عمل کند.

خدائش در دريای رحمت خویش غرقه فرمايد و خلأ او و امثال او در جامعه اسلامي مان را جبران فرمايد.

مرکز پژوهشي اخلاق و تربيت اسلامي
وابسته به بنياد علمي فرهنگي هاد
جعفر ناصري دولت آبادي



فصل اول

مباحث کلی ولایت و امامت





۱.۱. مقدمه

امامت و رهبری جامعه از نظر شیعه جایگاهی رفیع دارد و منصبی الهی است. تعیین و نصب امام، همانند تعیین و نصب پیامبر به عهده خداوند است. امامت عهد خداوند است که خداوند آن را بر اساس حکمت خود به هرکس که شایستگی آن را داشته باشد، عنایت می‌کند. پس از اینکه خداوند از حضرت ابراهیم علیه السلام آزمون‌های گوناگون و بسیار دشوار گرفت، او را به امامت منصوب کرد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

﴿وَإِذْ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾^۱

و چون ابراهیم را پروردگارش با کلماتی بیازمود و وی همه آن‌ها را به انجام رسانید، خدا به او فرمود: «من تو را پیشوای مردم قرار دادم». ابراهیم گفت: «در نسل من نیز قرار بده!» خداوند فرمود: «عهد من به بیدادگران نمی‌رسد.»

این آیه به خوبی دلالت می‌کند که امامت منصبی الهی است و امام را باید خداوند تعیین و منصوب کند؛ بنابراین امامت از نظر شیعه یکی از اصول مذهب است.

در مقابل دیدگاه شیعه سایر مذاهب اسلامی منصب امامت را منصبی دنیایی می‌دانند و نزد آنان، امامت شبیه مقام ریاست جمهوری است. از نظر شیعه امام از هرگونه گناه و خطا و اشتباهی مصون و معصوم است و هرگز، گناه از او سر



نمی‌زند؛ ولی بنا بر دیدگاه سایر مذاهب اسلامی، فسق و ظلم موجب نمی‌شود که امام صلاحیت خود را برای امامت بر مسلمانان از دست دهد.

ابوبکر باقلانی، یکی از علمای بزرگ اشاعره می‌گوید:

امام با فسق و ظلم، با غصب اموال و ضرب و شتم مردم و کشتن بی‌گناهان و تضییع حقوق و تعطیل حدود، از منصب امامت برکنار نمی‌شود و خروج علیه او واجب نیست؛ بلکه باید او را نصیحت کرد و از عواقب کارهایش ترساند و در معصیت خداوند از او اطاعت نکرد.^۱

تفتازانی، یکی دیگر از علمای اهل سنت می‌گوید:

امام با فسق و خروج از اطاعت خداوند و ظلم برکنار نمی‌شود؛ زیرا از امامان پس از خلفای راشدین فسق و ظلم آشکار شد؛ با این حال، گذشتگان از آن‌ها اطاعت می‌کردند و با اجازه آنان نماز جمعه و نماز عید را برگزار می‌کردند و معتقد به خروج علیه آنان نبودند. از کتاب‌های شافعیه نقل شده که قاضی با فسق، صلاحیت خود را از دست می‌دهد؛ ولی امام این‌گونه نیست؛ به خاطر اینکه در برکناری امام و وجوب نصب دیگری به جای او فتنه و آشوب برپا می‌شود؛ چون امام دارای شوکت و اقتدار است؛ ولی قاضی این‌گونه نیست.^۲

ولی شیعه امام را جانشین پیامبر ﷺ و ادامه‌دهنده راه او و عمل‌کننده به وظایف او، به جز نبوت می‌داند و معتقد است همان‌گونه که پیامبر ﷺ معصوم است، امام نیز باید معصوم باشد.

مباحث مربوط به نبوت در دو بخش بیان می‌شود: نبوت عامه و نبوت خاصه.

۱. محمد هادی معرفت، التمهید، ص ۱۸۱؛ نقل در: جعفر سبحانی، مفاهیم القرآن (العدل و الإمامة)، ج ۱۰، ص ۸۲.

۲. مسعود بن عمر تفتازانی، شرح العقائد النسفیة، ص ۱۸۵ و ۱۸۶؛ نقل در: جعفر سبحانی، مفاهیم القرآن (العدل و الإمامة)، ج ۱۰، ص ۸۳.



در نبوت عامه از مباحث کلی نبوت بحث می‌شود و در نبوت خاصه از پیامبران خاص که در هر زمانی مبعوث شده‌اند. مباحث امامت نیز در دو بخش طرح می‌شوند:

۱. مباحث مربوط به امامت عامه، یعنی مباحثی که به امامت مربوط است، بدون توجه به امام خاص و معینی، مانند معنای امامت، ضرورت امامت، کیفیت تعیین امام، شرایط و ویژگی‌های امام، راه تشخیص امام.

۲. مباحث مربوط به امامت خاصه، یعنی مباحثی که به هریک از امامان خاص در زمان معین مربوط است.

در این مجموعه نیز بر اساس سخنان مرحوم حضرت آیت‌الله ناصری رحمه‌الله مباحث امامت و ولایت در دو بخش امامت و ولایت عامه و امامت و ولایت خاصه تنظیم و بیان می‌شود.

سخنرانی‌های حضرت آیت‌الله ناصری رحمه‌الله دو ویژگی عمده داشت:

۱. ایشان در سخنرانی‌ها و منبرهای خویش تمام تلاش خود را به تربیت مردم مبذول می‌داشتند.

۲. مستمعان ایشان از همه اقشار، از بی‌سواد تا تحصیل‌کردگان حوزوی و دانشگاهی در سطح عالی بودند.

بر این اساس، حضرت آیت‌الله ناصری مباحث دقیق علمی را عمداً طرح نمی‌کردند و مطالبی را مطرح می‌کردند که بر تربیت مردم، بیشترین اثر را می‌گذاشت. روش حضرت آیت‌الله در سخنرانی‌ها و منبرهای خویش برگرفته از روش قرآن در

حضرت آیت‌الله
ناصری مباحث دقیق
علمی را عمداً طرح
نمی‌کردند و مطالبی
را مطرح می‌کردند
که بر تربیت مردم،
بیشترین اثر را
می‌گذارد. روش
ایشان در سخنرانی‌ها
برگرفته از روش قرآن
در بیان مطالب است.



بیان مطالب است. قرآن کریم مانند کتب علمی، تاریخی، فقهی، کلامی و... نیست که فقط مسائل و موضوعات علمی، تاریخی، فقهی، کلامی و... را مطرح کند. قرآن در کنار هر مسئله‌ای که طرح می‌کند، به بُعد تربیتی و سازندگی آن توجه کرده و بیشتر، مسائلی را نقل می‌کند که برای انسان جنبه سازندگی دارد. حضرت آیت الله نیز با الهام از این روش قرآن، در سخنرانی‌های خود، بیشتر، مسائلی را بیان می‌کردند که بُعد سازندگی و تربیتی داشت. خداوند ایشان را با اولیایش محشور کند.

۱.۲. معنای ولایت و امامت

ولایت یعنی محیط بودن به عالم وجود. ولایت یعنی قدرتی که کلام و اراده‌اش در جمیع موجودات نافذ باشد و هرچه بخواهد و بگوید، بشود. اهل بیت علیهم‌السلام دارای ولایت کلیه هستند؛ یعنی جمیع عالم وجود به فرمان آنهاست. امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌ه فرموده‌اند:

«فَإِنَّا يَحِيطُ عَلَمُنَا (نَحِيطُ عَلَمًا) بِأَنْبَاءِكُمْ وَلَا يَغُزُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ»^۱

همانا علم ما به خبرهای شما احاطه دارد و چیزی از خبرهای شما از ما پوشیده نیست.

هیچ کس و هیچ چیز از نظر امام مخفی نیست. همه عالم زیر نظر اوست. علم امام به تمام زمان‌ها و مکان‌ها محیط است. علم امام به فرد فرد ما محیط است و هیچ یک از کارهای ما از نظر او پنهان نیست. در زیارت جامعه می‌خوانیم:

«وَإِيَابُ الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ وَحِسَابُهُمْ عَلَيْكُمْ»

۱. احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۷؛ قطب الدین راوندی، الخرائج والجرائح، ج ۲، ص ۹۰۲؛ محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵، ح ۷.



بازگشت خلق به سوی شماس است و حساب آن ها با شماس است.

امامت یعنی زمامداری دین و به نظم آوردن عالم وجود و عزت مؤمنان. در مجموع، امام یعنی: راهنمای سعادت و تکامل تمام عالم وجود، خورشید درخشنده عالم وجود، نور تابنده عالم امکان، ستاره هدایتگر در شب های تاریک از ظلمت معصیت، آب گوارا، نجات بخش گمشدگان و غرق شدگان از وادی جهالت، نجات دهنده از هلاکت معنوی، ابر بارنده، آسمان سایه انداز، رفیق شفیق، پدر مهربان، ملاذ و ملجأ عالم وجود، واسطه بین عالم غیب و شهود، روح عالم وجود، نماینده حق در عالم وجود، جانشین رسول خدا ﷺ، ریشه درخت اسلام، ودیعه الهی، جانشین خدا و رسول خدا، نماینده خدا و نماینده نبی اکرم، ناظم عالم وجود، عزت مؤمنان، بیانگر احکام قرآن، راهنمای تحصیل ثواب و پرهیز از گناه و حجت الهی در زمین.

هیچ کس قدرت ندارد و نمی تواند شأنی از شئون ائمه علیهم السلام را درک کند. حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام بعد از معرفی امام می فرمایند:

«هِيَهَاتَ! هِيَهَاتَ! ضَلَّتِ الْعُقُولُ وَ تَاهَتِ الْحُلُومُ وَ حَارَتِ الْأَلْبَابُ وَ خَسَّتِ الْعُيُونُ وَ تَصَاغَرَتِ الْعُظْمَاءُ وَ تَحَيَّرَتِ الْحُكَمَاءُ وَ تَقَاصَرَتِ الْحُلَمَاءُ وَ حَصِرَتِ الْخُطَبَاءُ وَ جَهَلَتِ الْأَلْبَاءُ وَ كَلَّتِ الشُّعْرَاءُ وَ عَجَزَتِ الْأَدْبَاءُ وَ عَيِيَتِ الْبُلَغَاءُ عَنْ وَصْفِ شَأْنٍ مِنْ شَأْنِهِ أَوْ فَضِيلَةٍ مِنْ فَضَائِلِهِ وَ أَقَرَّتْ بِالْعَجْزِ وَ التَّقْصِيرِ لَا كَيْفَ وَ أَنَّى وَ هُوَ بِحَيْثُ النَّجْمِ مِنْ يَدِ الْمُتَنَازِلِينَ وَ وَصَفِ الْوَاصِفِينَ فَأَيْنَ الْإِخْتِيَارُ مِنْ هَذَا وَ أَيْنَ الْعُقُولُ عَنْ هَذَا وَ أَيْنَ يَوْجَدُ مِثْلُ هَذَا.»^۱

هیهات! هیهات! در وصف شأنی از شئون و فضیلتی از فضایل امام، عقول گمراه، اندیشه ها سرگردان، خرده ها حیران، دیدگان خسته و فرومانده، بزرگان حقیر، حکیمان متحیر، خردمندان خرد و ناچیز، سخنوران



بازمانده، دانایان جاهل و نادان، شاعران گنگ، ادیبان درمانده و بلیغان عاجز و ناتوان هستند و به ناتوانی و تقصیر خویش معترف‌اند. چرا این‌گونه نباشد و حال آنکه امام مانند ستاره‌ای دور از دسترس آنان و وصف‌کنندگان است. پس چگونه می‌توان امام را برگزید و چگونه عقل‌ها به آن دسترسی دارند و مانند او را کجا می‌توان یافت؟

امام هرچه دربارهٔ دین بگوید، اطاعت او واجب است. به واسطهٔ امام احکام به فعلیت می‌رسند. نظم عالم وجود برعهدهٔ امام است. اگر امام نباشد، دنیا خراب می‌شود. بقای عالم وجود به وجود امام وابسته است. اگر در عالم وجود حجتی نباشد، مخلوقی هم نیست. در هر زمانی، خلیفه‌اللهی باید بر زمین باشد. حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام اول خلیفه‌الله بود تا رسید به حضرت رسول صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و بعد از ایشان، امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام و حالا هم امام‌زمان عَلَيْهِ السَّلَام خلیفه‌الله هستند که در زیارت ایشان می‌خوانیم:

اگر امام نباشد، دنیا خراب می‌شود. بقای عالم وجود به وجود امام وابسته است. اگر در عالم وجود حجتی نباشد، مخلوقی هم نیست.

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ خَلِيفَةَ رَسُولِهِ وَ آبَائِهِ الْأَئِمَّةِ الْمَعْصُومِينَ الْمَهْدِيِّينَ»^۱

سلام بر تو ای خلیفه‌خدا بر زمین و خلیفه‌پیامبر خدا و پدران خود، امامان معصوم و هدایت‌یافته.

الآن بقیه‌الله همهٔ این ویژگی‌ها را دارا هستند. همهٔ چهارده نور

۱. ابراهیم بن علی عاملی کفعمی، المصباح، ص ۴۹۵؛ محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۹۸.



مقدس، نور واحدند و مقام و مرتبه‌شان یکی است؛ ولی بعضی به واسطه ابوت یا دلایل دیگر، فضیلتی بر بعضی دارند، مثلاً پدر، اشرف از فرزند است. حضرت بقیة الله عزله جلوه‌ای دارد که بقیة اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام آن جلوه را ندارند.

۱.۲.۱. ولایت؛ نبودن واسطه میان ولی و خداوند

علامه طباطبایی رحمته الله، صاحب تفسیر المیزان، درباره معنای ولایت می‌فرماید: هرچند برای ولایت معانی زیادی گفته شده است؛ ولی معنای اصلی آن برطرف شدن واسطه مانع میان دو چیز است؛ به طوری که میان آن دو، چیزی نباشد که از آن‌ها نیست. سپس، ولایت استعاره شده برای نزدیکی چیزی به چیز دیگر، به یکی از جهات نزدیکی، مانند نزدیکی در نسب یا مکان یا منزلت یا صداقت و... به همین خاطر، به هر دو طرف ولایت، ولی گفته می‌شود. به ویژه با توجه به اینکه هریک از دو طرف، نوعی نزدیکی با طرف دیگر دارد که چیز دیگری آن نزدیکی را ندارد.^۱

علامه مجلسی رحمته الله و بعضی دیگر از بزرگان هم فرموده‌اند بین ولی و حضرت حق واسطه نیست و ارتباط بین آن‌ها مستقیم است. ارتباط عبودیت و ربوبیت بی واسطه یا نفوذ اراده ولی در همه موجودات، از تمام ابعاد و در همه زمان‌ها را ولایت کلیة الهیه می‌گویند. به عبارت دیگر، هیچ واسطه‌ای بین ولی و بین حق نیست. به مجردی که چیزی را اراده می‌کند، می‌شود. تمامی عالم تحت مدیریت ولی است، به همین دلیل گفته شده است:

«لَوْ خَلَّتِ الْأَرْضُ ظَرْفَةَ عَيْنٍ مِنْ حُجَّةٍ لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا.»^۲

اگر چشم برهم‌زدنی زمین از حجت خالی شود، اهلش را فرومی‌برد.

۱. سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۸۸.

۲. شیخ صدوق، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۷۲، ح ۴؛ محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۲۹، ح ۴۳.



همیشه از طرف حضرت حق باید بر زمین حجت باشد. به همین دلیل، خدا اول آدم و بعد حوا را آفرید که یک آن، زمین از حجت و واسطه بین حق و مخلوق خالی نباشد. آن واسطه روح عالم وجود است و در حال حاضر، حضرت بقیه الله این وظیفه را بر عهده دارند. در زیارت جامعه آمده است:

«وَسَاسَةَ الْعِبَادِ وَأَرْكَانَ الْبِلَادِ وَأَبْوَابَ الْإِيمَانِ.»

و [امام] اداره‌کننده بندگان و ارکان بلاد و درهای ایمان است.

۱.۲.۲. ولایت؛ واگذاری کارها به خدا

ولی خدا تمام کارها را به اذن او می‌بیند؛ از این رو همه کارها را به خدا واگذار می‌کند و خودش عقب می‌ایستد. در حقیقت، دست از کار و تلاش برنمی‌دارد؛ بلکه فعالیت می‌کند؛ اما مدیریت کارها را به خدا می‌سپارد. در دعا آمده است:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ وَلَا يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ غَيْرُهُ.»^۱

حمد و سپاس خدایی را که هرچه بخواهد، انجام می‌دهد؛ اما غیر او، هرچه بخواهد، نمی‌تواند انجام دهد.

سفارش شده است بعد از نماز مغرب، هفت مرتبه این دعا خوانده شود؛ زیرا آثار بسیار زیادی دارد. همچنین، هفت مرتبه خواندن این ذکر بعد از نماز مغرب، خیلی اثر می‌گذارد: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.»^۲ منظور اینکه همه کارها به دست خداست.

یکی از اولیای خدا، مرحوم حاج مؤمن بود. حاج مؤمن خیلی فوق‌العاده بود. ایشان از گذشته و آینده خبر می‌داد. شهید دستغیب در کتاب داستان‌های شگفت داستان‌های متعددی درباره او نقل کرده است. من در نجف بارها

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۵۴۵، ح ۲.

۲. همان، ص ۵۲۸، ح ۲۰.



خدمت ایشان رسیده بودم. ایشان در زندگی، سختی‌های زیادی کشیده بود؛ اما همه مشکلات را تحمل کرده و خداوند درجه و مقام عالی به ایشان عنایت کرده بود. او می‌گفت خیلی از اوقات، مرا می‌برند تا با نجبا، نقبا، اوتاد و صلحا پشت سر امام زمان علیه السلام نماز بخوانم.

یک شب در نجف، با شهید دستغیب و مرحوم حاج مؤمن و رفقا نشسته بودیم و صحبت می‌کردیم. حاج مؤمن گفت:

شب جمعه‌ای در هوای تابستانی و مهتابی، همراه شهید دستغیب، نزدیک کوهی بیرون از شیراز رفتیم. در آنجا، فرش را پهن کردیم، چایی درست کردیم و درباره حضرت حق و حضرت بقیه الله شروع به صحبت کردم. بعد از مدتی، شهید دستغیب مشغول نماز شب شدند. من هم دراز کشیدم. دستم زیر سرم بود و درباره قدرت خدا فکر می‌کردم، عوالم الهی را می‌دیدم و درباره آن‌ها اندیشه می‌کردم. در همین حال مشاهده کردم از کوه، سنگریزه می‌ریزد. به آن اعتنا نکردم. ناگهان دیدم شیر بسیار بزرگی مقابل من ایستاده است. آقای دستغیب که مشغول نماز وتر بود و دعا می‌کرد، هیچ اعتنایی نکرد. شیر سرش را نزدیک پای من آورد. من هم پایم را تکان ندادم. گفتم اگر تو مأمور خوردن من هستی، پایم را عقب بکشم یا نکشم، می‌خوری. اگر هم مأمور نباشی، چرا پایم را عقب بکشم. همین طور پایم دراز بود. مقداری پای مرا بو کرد، در چشم‌های من نگاه کرد و رفت.

مدتی بعد از رفتن شیر، دومرتبه از بالای کوه شروع کرد سنگریزه بریزد. این بار هم اعتنا نکردیم و مشغول ذکر و فکر خود بودیم. پس از لحظاتی، شخصی سلام کرد. جواب او را دادم. وقتی نگاه کردم، دیدم آقای نورانی است. گفتم الحمد لله، بفرمایید بنشینید. گفت: «می‌خواهم بروم.» پرسیدم کجا می‌روی.



دستش را نشان داد، نوری از آن به یک طرف می‌تابید. گفت: «مأموریت دارم به طرف این نور بروم.» در قرآن هم آمده است که در روز قیامت، مؤمنان نورشان در مقابلشان حرکت می‌کند.^۱ بنده‌های خدا و اولیای الهی به این درجه و مقام و بالاتر از این‌ها رسیده‌اند، آن وقت ائمه اطهار این مقام را ندارند؟! وقتی اولیای الهی و دوستان خدا این قدرت را داشته باشند از گذشته و آینده خبر بدهند، آیا اهل بیت علیهم‌السلام این قدرت را ندارند؟!

۱.۳. اهمیت ولایت

ولایت مهم‌ترین رکن اسلام است. در حدیثی معتبر از امام باقر علیه‌السلام روایت شده است:

«بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ وَلَمْ يُنَادَ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ فَأَخَذَ النَّاسُ بِأَرْبَعٍ وَتَرَكُوا هَذِهِ يَعْنِي الْوَلَايَةَ.»^۲

اسلام بر پنج پایه بنا شده است: نماز، زکات، روزه، حج و ولایت. آن‌گونه که به سوی ولایت فراخوانده شده، به سوی هیچ چیزی دعوت نشده است؛ ولی مردم آن چهار چیز را گرفتند و این، یعنی ولایت را رها کردند.

ولایت از پایه‌ها و ستون‌های دین است. هیچ‌کدام از این پنج رکن به اندازه ولایت اهمیت ندارد. ولایت به سایر پایه‌ها ارزش می‌دهد. به همین دلیل فرمودند: «وَلَمْ يُنَادَ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ.» به قدری که به ولایت سفارش شده، به هیچ‌کدام از آن پایه‌ها سفارش نشده است. در اسلام نماز محور قبولی اعمال قرار داده شده و از این رو به آن بسیار سفارش شده است. امام باقر علیه‌السلام فرمودند:

۱. «يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ» (روزی که مردان و زنان مؤمن را ببینی که نورشان جلوشان می‌رود) (سوره حدید، ۱۲).

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۸، ح ۳.